

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمندان شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آینه نفس



بزرگ‌ترین اشتباه دستگاه‌ام‌وی

استاد شهید آیت‌الله مطهری (ره):

خدا رحمت کند مرحوم آیتی را (رضوان الله علیه) چه مرد بزرگواری بود، چه عالم متقی‌ای بود که از دست مارت. ایشان یک کتابی دارد به نام «بررسی تاریخ عاشورا» در میان کتاب‌هایی که به زبان فارسی در این زمینه نوشته شده‌است اگر بگویم بهترین آنهاست، قطعاً از بهترین آنهاست. در آنجا این مرد روی این مطلب خیلی تکیه کرده‌است که اصلاً تاریخ کر بلا را اسرا نگهداری کردند. بزرگ‌ترین اشتباهی که دستگاه ام‌وی کرد، مسئله اسیر گرفتن و اسیر بردن اهل بیت و سیر دادن آنها به کوفه و بعد به شام بود. اگر این کار را نکرده بودند، شاید می‌توانستند این تاریخ را محو کنند یا لاقط یک مقدار از اثرش واز قدرت‌ش ببنازند ولی به دست خودشان کاری کردند که فرصت برای اهل بیت پیغمبر ایجاد کردند و آنها این تاریخ را در دنیا مستحجل کردند. باور نمی‌کردند یک عده زن و بچه خرد شده و مصیبت‌دیده، این چنین حداکثر استفاده را از این فرصت‌ها ببرند و چطور اینها تبلیغ کردند! منبع: کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در تلگرام به استناد کتاب حماسه حسینی



کسی به فکر نجات زاگرس هست؟

زهرارئیس‌ی در تئویتی نوشت: وضعیت بسیار وخیم است و جنگل‌های زاگرس وارد فاز ی شده‌ است که ما به آن زوال یا مرگ اکوسیستم می‌گویند. وقتی نگاه بلندمدتی نسبت به مسئله آبخیزداری در کشور وجود نداشته باشد اوضاع بهتر از این نمی‌شود. آیا مسئولان فکری برای نجات زاگرس و نجات مردم ایران خواهند کرد؟



اهداف امریکان تلاش برای کاهش واردات نفت ایران توسط چین

هنری رام، معاون اندیشکده اوراسیا گروپ، طی تئویتی که پایگاه خبری «مشرق» از آن خبر داده است، اعلام کرد: تلاش امریکا برای وادار کردن چین به کاهش واردات نفت ایران، با دو هدف مرتبط به هم صورت می‌گیرد: ۱- متقاعد کردن ایران به اینکه هنگامی که مذاکرات در برزخ قرار دارد، زمان به نفع ایران نیست. ۲- اعتبار بخشیدن به خطرات خروج کامل ایران از مذاکرات.

تصویر منتخب



زندگن به مادر،مقتنی از کانال تلگرامی نییان



کاربران

| روزنامه جوان | شماره ۶۳۱۵ | شنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۰ | ۲۵ صفر ۱۴۴۳ |



واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به اعلام خبر منع واردات لوازم خانگی از شرکت‌های کره جنوبی

فرصتی برای تولیدکنندگان لوازم خانگی

کاربران شبکه‌های اجتماعی در واکنش به اعلام خبر ممنوعیت واردات لوازم خانگی از کره جنوبی، از تولیدکنندگان داخلی خواستند قدر فرصت پیش آمده را بدانند و با راه‌اندازی و گسترش واحدهای تحقیق و پژوهش، در پی ارتقای کیفی محصولات خود باشند. کاربران تأکید داشتند که

محمد امینی رعایا:

ممنوعیت واردات لوازم خانگی سیاست درستی است. حالا اینکه این سیاست که در دنیا از جمله همان کره جنوبی هم سابقه دارد نتیجه بدهد، به شیوه عملکرد دولت بستگی دارد. حمایت پلکنی و مدت‌دار با نظارت عملی این نبی در و پیکر و مادام‌العمر، لازمه اثرگذاری این سیاست در تقویت تولیدات داخلی است.

سید یاسر جبرائیلی:

ایمن حمایت رهبر حکیم انقلاب از تولیدکنندگان لوازم خانگی، تکلیف مهمی بر دوش این عزیزان گذاشت که عبارت است از تخصیص دائمی بخشی از سود به تحقیق و توسعه با هدف داخلی‌سازی قطعات و ارتقای پیوسته کیفیت و فناوری. دولت باید ضمن جلوگیری از واردات، این تکلیف را الزام و بر آن نظارت کند.

مرتضی سیمه‌یاری:

سال‌ها به کره جنوبی فرصت دادیم از بازار لوازم برقی ایران سود ببر. در آج طرح‌ها

در هم‌دستی با جنایتکاران امریکایی از دادن خدمات به ایران امتناع کرده و پول نفت ما را در دیدند. بسیاری از کالاهای ساخت کشورمان هم‌تراز با نمونه خارجی آن است؛ با افتخار کالای ایرانی بخیر.

محمد شیروانی:

می‌شود هم با واردات لوازم خانگی کره‌ای مخالف بود، هم از تولیدکنندگان داخلی مطالبه کیفیت کرد. معنی رفتن پول به سمت کالای خارجی، یعنی خالی شدن جیب کارگر ایرانی! هم حمایت کنیم، هم مطالبه!

محمدصادق عبداللهی:

امیدوارم تولیدکنندگان لوازم خانگی فرصت را قدر بدانند و از تولیدکنندگان خودرو درس بگیرند تا چند سال بعد قرار نشود مجلس مثل آزادسازی واردات خودرو، مصوبه‌ای هم برای آزادسازی واردات لوازم خانگی بگذارد و ملت هم در سال‌های پیش رو پول هتفت بدهند، در صف هم بایستند و آخرش هم مثل پراید بگیرند!

صادق نیگو:

منع واردات لوازم خانگی کره اتفاق مبارکی است: ۱- چه اشکالی داره پنج سال به تولیدکننده داخل فرصت بدیم بعدش واردات ساز بیه؟ ۲- چرا طلب‌ما از کره

در قالب لوازم ال‌جی و سامسونگ تسویه میشه؟ ۳- چرا باید کسی را که در تجارت بهمون خیانت کرده دوباره راه بدیم؟ ۴- چرا باطل‌بمون قطعات واردکنیم؟ خودروسازی صنعتی است که خیلی‌ها توان ورود به آن ندارند و عملاً رقابتی در داخل وجود ندارد.

ممنوعیت و تعرفه دائمی واردات خودرو هم این انحصار را تشدید کرده در لوازم خانگی رقابت داخلی وجود دارد و بازیگران زیادی فعال شدند. با ممنوعیت واردات طبق جدول زمانی چندساله می‌توانیم قدرت بگیریم.

سید پویان حسین پور:

یک جنبه مهم در بحث محدودیت واردات لوازم خانگی از کره جنوبی، تلاش پشت‌صحنه امریکایی‌ها برای سلب اختیار از ایران در خصوص

دارایی‌های ملی ما است. یعنی تصمیم‌گیری درباره نحوه هزینه‌کرد بیش از ۴ میلیارد دلار از پول ایرانیان در اختیار امریکایی‌ها باشد اما در اختیار خود ملت ایران!

هادی محمدی:

بنده تخصصی در واردات و صادرات کالا و تولید... ندارم اما این هم درست نیست باز از کره جنوبی که در سخت‌ترین شرایط ملت مظلوم ایران، کیفیت‌ترین کار را کرد و از پول خود ما حتی برای خرید دارو و واکسن اقدامی نکرد، لوازم خانگی وارد کنیم و صدها میلیون دلار سود ببرند.

اشکان صدر:

والا من یاهمین ممنوعیت واردات لوازم خانگی هم موفق‌م ولی به شرطی که زمان محدود باشه و بعدش قیمت آزاد بشه و بدون تعرفه بتونن با نمونه‌های خارجی‌ش رقابت کنن. می‌کنن. یه به چند سال؟ اصلاً شما بگو ۱۰ سال قبوله ولی آیا محدودیت در واردات خودرو باعث بهبود کیفیت ایران خودرو و سپاسا شد.

آیا FATF بر ارتفاع اقتصادی ایران از شانگهای مؤثر است؟



۶- در خصوص تحریم‌ها، اگر چه در اجلاس ۲۰۱۰ سران در تاشکند اعضای سازمان مقرر کردند کشورهای خواهان عضویت در سازمان نباید مورد تحریم سازمان ملل باشند اما کشورهای مؤثر عضو و ناظر در سازمان مرتب مورد تحریم‌های امریکا بوده‌اند. بنابراین چنانچه سازمان این رویکرد را عملی کند در واقع گامی برای عدم گسترش و تأثیرگذاری خود برداشته است و این خلاف اهداف اولیه تشکیل سازمان است. ارتباط ایران و سازمان، برد برد است و انتفاع شانگهای از ایران آن قدر زیاد است که سازوکارهایی برای دور زدن تحریم‌ها و FATF مرتب خواهند نمود.

چنانچه همچون وجود دارد.

۷- البته FATF بی‌تأثیر نیست و در نهایت باید راهکاری برای آن یافت. اما نکته مهم اینکه باید توجه داشت معادلات بین‌الملل وابستگی متقابل دارند. سازمان شانگهای یک فرصت بالقوه است که باید بالفعل شود و از فرصت‌های سیاسی سازمان برای دیپلماسی نمود. اما نباید همه چیز از واکسن تا عضویت در سازمان‌ها را به FATF گره زد.

انتفاع اقتصادی ایران در شانگهای با توجه به مختصات نظم نوین بین‌المللی

تصمیم به قتل علامه حسن زاده!

محمود اسعدی، دبیر همایش چهره‌های ماندگار طی یادداشتی که کانال تلگرامی «خبر آنلاین» آن را منتشر کرده است به ذکر دو خاطره از علامه حسن زاده اشاره کرد؛ او نوشته است:

خاطره اول: دکتر گلشنی رئیس وقت پژوهشگاه علوم انسانی از من خواست حق التألیف کتاب استاد را تحویل دهم.

وقتی با چند همراه خدمت ایشان رسیدم ابتدا پول را تقدیم کردم و توضیح دادم. ایشان پذیرفت گوشه‌ای گذاشت و به گفت‌وگو مشغول شدم تا ظهر شد و هنگام نماز و ناهار، ناگاه علامه پاکت حاوی حق التألیف کتاب‌شان را آوردند و به بهانه ناهار پول‌ها را بین گروه تصویربرداری تقسیم کردند. سپس گفتند چون سخت است برای من ناهار تهیه کنم خودتان زحمتش را بکشید! در حالی که مبلغ بسیار بیشتر بود.

خاطره دوم: گرچه رقابت‌گیز اما شایسته تأمل است. گفتند تو آمده‌ای زندگی مرا تصویر کنی، اما من یاد تو نفری افتادم که چندی پیش پیاده از ۱۲۰۰ کیلومتر دورتر به قصد کشتن من به قم آمده بودند! وقتی تعجب مرادید زمزمه کرد: بلبه به قصد قربت! بالای پشت بام دستگیرشان می‌کنند. با خود گفتم چرا باید نقشه قتل مرا بکشند؟ خواستم آنها را ببینم. آوردن‌شان. پرسیدم آقا جان! شما به چه جرمی می‌خواستید مرا بکشید؟ دو جوان بودند با چهره‌های معصوم. با کمال سادگی و صداقت گفتند نوشته شما در باب معاد جسمانی قتل شما را واجب می‌کند! ما هم به قصد قرب الهی می‌خواستیم چنین کنیم... می‌دانستم چه‌بگویم؟ چهره علامه غرق نور بود. انگار هنوز داشت برای آنها دعا می‌کرد. خدایش بیامرزد.

از «سازمان اداری» تا «سازمان رسانه‌ای» صداوسیما

محمد سرشار در یادداشتی در پی انتصاب رئیس جدید سازمان صداوسیما نوشت: دکتر پیمان جبلی مسیر بسیار دشواری را پیش رو دارد. او باید یک «سازمان اداری مدیر رسانه» را به یک «سازمان رسانه‌ای» تبدیل کند. این تحول در نگاه به شیوه اداره صداوسیما، توان بسیار زیادی را لازم دارد و تاپ آوری بسیار بالایی را می‌طلبد.

برای دکتر جبلی آرزوی موفقیت می‌کنم. صداوسیما هم «مشکل تأمین مصرف رسانه‌ای مخاطب» و هم یک «رسانه پخشی (برودکستی)» است. پس دو راهبره اصلی آن در بازارایی محتوا، «راوخل جامع» و «بخش‌بندی مخاطب» است. یعنی سازمان صداوسیما باید بر اساس توده‌های مخاطب (زبان، مکان، سن، جنسیت، گرایش موضوعی، گرایش قالیی یا...) بازطراحی شود.

«سازمان اداری» صداوسیما بر مبنای تفکیک رادیو/تلویزیون/فضای مجازی طراحی شده اما «سازمان رسانه‌ای» صداوسیما باید بر اساس «پایخ جامع رسانه‌ای مناسب هر بخش مخاطب» (مانند مکان: محلی/ملی/جهانی، سن: کودک/آوان/پیر، جنسیت: زن، موضوع: دین/اسلامت/ورزش، قالب: داستانی/امستند...) طراحی شود. مفهوم «پایخ جامع رسانه‌ای مناسب هر بخش مخاطب» در سازمان رسانه‌ای صداوسیما، یک مفهوم انتزاعی و غیر عملیاتی نیست. مثلاً برای تأمین مصرف رسانه‌ای «زنان فارسی‌دان بزرگسال»، یک «مدیریت واحد» تصمیم‌گیری می‌کند که شبکه تلویزیونی، شبکه رادیویی، شبکه اینترنتی... چه محتوایی را پخش کنند.

از دیدگاهی دیگر، مفهوم «پایخ جامع رسانه‌ای مناسب هر بخش مخاطب» به معنای سنجیدن

در سازمان اداری صداوسیما، هزینه تمام‌شده هر دقیقه تأمین مصرف رسانه‌ای مخاطب محاسبه نمی‌شود و روش‌های سنجش فایده نیز روش‌های روز و روزی دقیق نیست. «هزینه‌ها فایده هر یک دقیقه تأمین مصرف رسانه‌ای مخاطب» یعنی صداوسیما باید بداند هزینه‌های اجاره ساختمان، منابع انسانی، انرژی، استهلاک تجهیزات، برنامه‌سازی، پخش زمینی/ماهواره‌ای اینترنتی... یک شبکه چقدر است و این مقدار هزینه چند دقیقه مخاطب را جذب کرده و چقدر برای فایده‌داشته محاسبه هزینه تمام‌شده هر یک دقیقه تأمین مصرف رسانه‌ای عملاً یعنی باز شدن درهای سازمان رسانه‌ای صداوسیما برای تولیدکنندگان خصوصی محتوا، رقابتی شدن فضای برنامه‌سازی و امکان تأسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری ر خطر برای حمایت از استارت‌آپ‌های تولید محتوا.

بر نده این شفافیت، مردم خواهند بود.

چرا سراغ فیلم‌ها می‌رویم؟

سیدرضا صائمی در کانال تلگرامی خود با اشاره به جمله «وقتی زندگی را دوست نداری یسا زندگی انتظار داشت را برآورده نمی‌کند، به سراغ فیلم‌ها می‌روی...» از فرانسوا تروفو، فیلمساز، نظر به‌پرداز و منتقد سینمایی، نوشت: ابتدا که به این جمله فرانسوا تروفو برخورد کمی بهم برخورد... شاید برای اینکه فیلم دیدن



بخشی از زندگی و شغل من است... اما بعد به پرسش جدی بدل شد. آیا عشق به سینما پناه می‌آوردند؟ به زندگی برمی‌آید...؟ آیا عاشقان سینما زندگی‌شان را دوست ندارند و به سینما پناه می‌آورند...؟ این انتظارشان در زندگی برآورده نمی‌شود و آن را لذت می‌جست‌وجو می‌کنند...؟ عقیق‌تر که شدم دیدم این جمله تروفو در ست است اما یک سو به واقعیت است... بخشی از علاقه به سینما و تأمل در آن اتفاقاً سرشوق به زندگی و کشف رمز و رازهایی آن است... به لذت رمزگشایی زندگی در فیلم‌ها... اما گاهی زندگی دست کم همان تصویر و تعریف عرفی از آن که زندگی را در تجربه‌های انسان در فیلم‌ها غوطه‌ور می‌شود تا با یافتن معنا یا لذتی زیبایی‌شناسانه از ابتلال واقعیت بگریزد... تا انتظارهای برنیامده در زندگی را در سینما جست‌وجو کند... فیلم‌ها زندگی زیسته یا بد زیسته ما را به امکانی خیال‌انگیز برای تجربه زیسته اغتشاش‌بدل می‌کنند و از طریق کاتارسیس به نقطه رضایت و بالایش می‌رسانند... هم شوق زندگی و لذت زیستن هم شوق زندگی و مکشفه‌ان و هم انتظاراتی که از زندگی داریم در لذت درک فیلم قابل تجربه است... سینما و فیلم‌ها هم گریز از زندگی است هم گذار به زندگی و لایه‌های درونی‌تر آن... وقتی به سراغ فیلم‌ها می‌رویم به سراغ خود می‌رویم... به سراغ زندگی زیسته شده و نشده... سینما پناهگاه سترگی است چه برای آنها که از زندگی متنفرند چه برای آنها که از آن لذت می‌برند!

نگاهی آسیب‌شناسانه

به فرهنگ‌سازی مقاومت و دفاع مقدس

مجتبی همتی در کانال شخصی خود در پیام‌رسان «بله» با اشاره به پیام معلمی که برای او نوشته است: «دکتر من معلمی غیررسمی در روستا هستم. متر بیانم می‌گفتند حتی در کتاب آماج‌گی دفاعی هم روستا جایگاهی ندارد، هر وقت متحن کتاب را نگاه می‌کنیم تهرانی‌ها و مرکز نشین‌ها



رفتند در جنگ شرکت کردند و شهید شدند و بیروز شدند. بعد بهم گفتند که زمان دختر شینا و فرنگیس... را خونینده فهمیدیم که برخی فرماندهان اصلی جنگ روستا زاده بودند» نوشت: گرچه هنوز هم مقاومت و حتی مبارزه نظامی برای ما زنده است و شهرهای مان مبارزان شهدا هستند، در انتقال فرهنگ دفاع و جهاد کار جای بسیار داریم. اغلب هفته دفاع مقدس را با نمادهای خام نظامی (سنگرو و مین و ادوات سبک و سنگین جنگی) گرامی می‌داریم اما کمتر می‌پرسیم که نسل جدید هم همان چیزی را از اینها برداشت می‌کنند که نسل اول انقلاب؟ معرفی آن سبک زیستن افراد و خانواده‌ها و جامعه...؟ کجاست؟ آن روحیه‌ها و حس را چطور منتقل کنیم؟ اساساً برخی معتقدند که چرا جنگ و تاریخ را باید در مدرسه و دانشگاه بگویم؟ تازه بعد به این خواهیم رسید که چگونه؟

پی نوشت ۱: جنگ و مقاومت فقط به برخی شهرها و برخی چهره‌ها محدود نمی‌شود. ننه اسماعیل، بابا رجب و آن پدر و مادر روستایی و آن خیل خاک‌ی‌پوش‌ها، هپهاران و راندگان و سربازان و... همه با هم آن ماجرا را رقم زدند. جدی آنها در فعالیت‌های ترویجی ما کجاست؟ **پی نوشت ۲:** چند سال پیش کتابچه‌ای توسط انجمن فلسفه تعلیم و تربیت بریتانیا منتشر شده بود که چرا باید در مدرسه به جنگ و تاریخ بپردازیم؟! نویسنده آن گزارش که از فیلسوفان تربیتی معاصر انگلیسی‌زبان بود، با استدلال‌های خودش به این پرسش پاسخ مثبت داده بود. آیا این پرسش و پرسش‌های مشابه نقل محافل علمی ما هم هست؟